﻿

[**زندگينامه عطار نيشابوري**](http://www.beytoote.com/scientific/scientist/attar-biography.html)

مجموعه: [زندگینامه شعرا و دانشمندان](http://www.beytoote.com/scientific/scientist.html)

فريدالدين ابو حامد محمد بن ابوبكر ابراهيم بن اسحاق عطار نيشابوري، يكي از شعرا و عارفان نام آور ايران در اواخر قرن ششم و اويل قرن هفتم هجري قمري است. بنا بر آنچه كه تاريخ نويسان گفته اند بعضي از آنها سال ولادت او را 513 و بعضي سال ولادتش را 537 هجري.ق، مي دانند. او در قريه كدكن يا شادياخ كه در آن زمان از توابع شهر نيشابور بوده به دنيا آمد. از دوران كودكي او اطلاعي در دست نيست جز اينكه پدرش در شهر شادياخ به شغل عطاري كه همان دارو فروشي بود مشغول بوده كه بسيار هم در اين كار ماهر بود و بعد از وفات پدر، فريدالدين كار پدر را ادامه مي دهد و به شغل عطاري مشغول مي شود. او در اين هنگام نيز طبابت مي كرده و اطلاعي در دست نمي باشد كه نزد چه كسي طبابت را فرا گرفته، او به شغل عطاري و طبابت مشغول بوده تا زماني كه آن انقلاب روحي در وي به وجود آمد و در اين مورد داستانهاي مختلفي بيان شده كه معروفترين آن اين است كه:

"روزي عطار در دكان خود مشغول به معامله بود كه درويشي به آنجا رسيد و چند بار با گفتن جمله چيزي براي خدا بدهيد از عطار كمك خواست ولي او به درويش چيزي نداد. درويش به او گفت: اي خواجه تو چگونه مي خواهي از دنيا بروي؟ عطار گفت: همانگونه كه تو از دنيا مي روي. درويش گفت: تو مانند من مي تواني بميري؟ عطار گفت: بله، درويش كاسه چوبي خود را زير سر نهاد و با گفتن كلمه الله از دنيا برفت. عطار چون اين را ديد شديداً متغير شد و از دكان خارج شد و راه زندگي خود را براي هميشه تغيير داد."

او بعد از مشاهده حال درويش دست از كسب و كار كشيد و به خدمت شيخ الشيوخ عارف ركن الدين اكاف رفت كه در آن زمان عارف معروفي بود و به دست او توبه كرد و به رياضت و مجاهدت با نفس مشغول شد و چند سال در خدمت اين عارف بود. عطار سپس قسمتي از عمر خود را به رسم سالكان طريقت در سفر گذراند و از مكه تا ماوراءالنهر به مسافرت پرداخت و در اين سفرها بسياري از مشايخ و بزرگان زمان خود را زيارت كرد و در همين سفرها بود كه به خدمت مجدالدين بغدادي رسيد. گفته شده در هنگامي كه شيخ به سن پيري رسيده بود بهاءالدين محمد پدر جلال الدين بلخي با پسر خود به عراق سفر مي كرد كه در مسير خود به نيشابور رسيد و توانست به زيارت شيخ عطار برود، شيخ نسخه اي از اسرار نامه خود را به جلال الدين كه در آن زمان كودكي خردسال بود داد. عطار مردي پر كار و فعال بوده چه در آن زمان كه به شغل عطاري و طبابت اشتغال داشته و چه در دوران پيري خود كه به گوشه گيري از خلق زمانه پرداخته و به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور خود مشغول بوده است. در مورد وفات او نيز گفته هاي مختلفي بيان شده و برخي از تاريخ نويسان سال وفات او را 627 هجري .ق، دانسته اند و برخي ديگر سال وفات او را 632 و 616 دانسته اند ولي بنا بر تحقيقاتي كه انجام گرفته بيشتر محققان سال وفات او را 627 هجري .ق دانسته اند و در مورد چگونگي مرگ او نيز گفته شده كه او در هنگام يورش مغولان به شهر نيشابور توسط يك سرباز مغول به شهادت رسيده كه شيخ بهاءالدين در كتاب معروف خود كشكول اين واقعه را چنين تعريف مي كند كه وقتي لشكر تاتار به نيشابور رسيد اهالي نيشابور را قتل عام كردند و ضربت شمشيري توسط يكي از مغولان بر دوش شيخ خورد كه شيخ با همان ضربت از دنيا رفت و نقل كرده اند كه چون خون از زخمش جاري شد شيخ بزرگ دانست كه مرگش نزديك است. با خون خود بر ديوار اين رباعي را نوشت:

در كوي تو رسم سرفرازي اين است مستان تو را كمينه بازي اين است

با اين همه رتبه هيچ نتوانم گفت شايد كه تو را بنده نوازي اين است

مقبره شيخ عطار در نزديكي شهر نيشابور قرار دارد و چون در عهد تيموريان مقبره او خراب شده بود به فرمان امير عليشير نوايي وزير سلطان حسين بايقرا مرمت و تعمير شد.

**ويژگي سخن عطار :**

عطار، يكي از شاعران بزرگ متصوفه و از مردان نام آور تاريخ ادبيات ايران است. سخن او ساده و گيراست. او براي بيان مقاصد عرفاني خود بهترين راه را كه همان آوردن كلام ساده و بي پيرايه و خالي از هرگونه آرايش است انتخاب كرده است. او اگر چه در ظاهر كلام و سخن خود آن وسعت اطلاع و استحكام سخن استاداني همچون سنايي را ندارد ولي آن گفتار ساده كه از سوختگي دلي هم چون او باعث شده كه خواننده را مجذوب نمايد و همچنين كمك گرفتن او از تمثيلات و بيان داستانها و حكايات مختلف يكي ديگر از جاذبه هاي آثار او مي باشد و او سرمشق عرفاي نامي بعد از خود همچون مولوي و جامي قرار گرفته و آن دو نيز به مدح و ثناي اين مرشد بزرگ پرداخته اند چنانكه مولوي گفته است:

عطار روح بود و سنايي دو چشم او ما از پي سنايي و عطار آمديم

**معرفي آثار عطار :**

آثار شيخ به دو دسته منظوم و منثور تقسيم مي شود. آثار منظوم او عبارت است از: 1- ديوان اشعار كه شامل غزليات و قصايد و رباعيات است. 2- مثنويات او عبارت است از: الهي نامه، اسرار نامه، مصيبت نامه، وصلت نامه، بلبل نامه، بي سر نامه، منطق الطير، جواهر الذات، حيدر نامه، مختار نامه، خسرو نامه، اشتر نامه و مظهر العجايب. از ميان اين مثنويهاي عرفاني بهترين و شيواترين آنها كه به نام تاج مثنويهاي او به شمار مي آيد منطق الطير است كه موضوع آن بحث پرندگان از يك پرنده داستاني به نام سيمرغ است كه منظور از پرندگان سالكان راه حق و مراد از سيمرغ وجود حق است كه عطار در اين منظومه با نيروي تخيل خود و به كار بردن رمزهاي عرفاني به زيباترين وجه سخن مي گويد كه اين منظومه يكي از شاهكارهاي زبان فارسي است و منظومه مظهر العجايب و لسان الغيب است كه برخي از ادبا آنها را به عطار نسبت داده اند و برخي ديگر معتقدند كه اين دو كتاب منسوب به عطار نيست.

**آثار منثور عطار:**
يكي از معروفترين اثر منثور عطار تذكرة الاولياست كه در اين كتاب عطار به معرفي 96 تن از اوليا و مشايخ و عرفاي صوفيه پرداخته است.